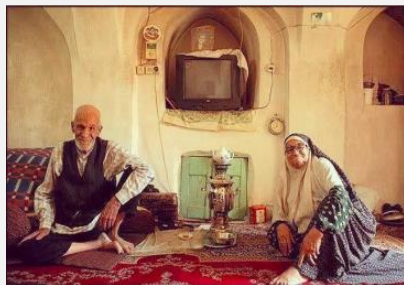


هرچه داریم از دعای والدین است

یادش بخیر دوران کودکی. گاهی تشرها و اخم‌های پدر جلوی خطای ما را می‌گرفت و خودش تربیت‌کننده بود.



یادش بخیر دوران کودکی. گاهی تشرها و اخم‌های پدر جلوی خطای ما را می‌گرفت و خودش تربیت‌کننده بود.

به گزارش ایسنا، حجت الاسلام علیرضا فرهنگ در ادامه مطلب خود در روزنامه «جوان» نوشت: علمای علم اخلاق و تربیت گویند اگر پدر و مادری بخواهند جلوی خطای فرزند را بگیرند، باید مواظب باشند دقیق و حساب شده عمل کنند. مثلاً باید مراحل دورکردن فرزند از خطا را به ترتیب رعایت کنند نه اینکه حرف آخر را اول بزنند. به طور مثال برای دورکردن فرزند از خطا، اول او را نسبت به کارهای خوبش تشویق و کارهای خوب را به او گوشزد کنند. در این صورت شخصیتش را حفظ می‌کنند و جلوی تخریب بیشتر شخصیت او را می‌گیرند. به این مرحله اول گویند شوق. در مرحله دوم اگر نتوانستند جواب بگیرند، حجاب است؛ یعنی بین او و خودش و در واقع خطای او فاصله بیندازند، مقداری به او اهمیت ندهند، بی توجه باشند، مثل قهر، اما طولانی نباشد. در حدیثی مردی حضور حضرت علی (ع) آمد و از فرزند خود شکایت کرد. حضرت فرمودند: فرزندت را نزن و برای ادب کردنش از او قهر کن، اما مواظب باش، قهرت طول نکشد و هر چه زودتر با او آشتی کن. مرحله سوم عتاب است؛ یعنی با زبانی مؤاخذة ای او را از عاقبت کار بترسانند. در نهایت اگر نتیجه نگرفتند و خطای او با این سه مرحله درست نشد، عقاب کنند؛ یعنی او را تنبیه کنند. مثلاً دست را بالا ببرد به قصد زدن، اما نزند تا فرزند خود را جمع و جور کند. البته این چهار مرحله خیلی توضیح دارد. فقط خواستم بگویم پدر ما با اینکه سوادی آنچنانی نداشت، اما تشویق، حجاب و عتاب هم داشت، اما من یک بار هم از او عقاب ندیدم؛ یعنی اخلاقش طوری بود که به مرحله چهارم نمی‌رسید. مواظب باشیم اگر پدر و مادر ما را هم زند، نباید خدایی ناکرده در مقابل آنان عکس‌العملی نشان داد، چراکه خداوند متعال می‌فرماید: «و اگر پدر یا مادر یا هر دو، در کنارت به پیری برسند، به آنان «اف» مگو و آنان را از خود مران»، اما چه درس‌هایی که باید از رابطه والد و فرزند بیاموزیم...

درس تواضع و فروتنی

از جمله صفات پدر تواضع و فروتنی در ارتباط با مردم بود. نشانه اش هم این بود که بارها شده بود در برابر اخلاق بد دیگران که مشاهده می‌کرد به جای مقابله و جار و جنجال که نشانه انسان‌های متکبر است، سعه صدر از خود نشان می‌داد و روحیه عفو و گذشت داشت. با کسی قطع ارتباط نمی‌کرد. اگر هم کسی قطع ارتباط می‌کرد، می‌رفت تا این ارتباط وصل شود. واقعاً این روحیه اش زیانزد بود. تواضع و فروتنی او نسبت به علمای دین فوق‌العاده بود. طلابی که با ایشان ارتباط داشتند، می‌دانند همیشه آنان را مثل فرزند خود احترام می‌کرد و اگر کسی به طلبه‌ای توهین می‌کرد طاق‌نمی‌آورد. در برابر بنده حقیر و جایگاه روحانیت چقدر احترام قائل بود. چقدر مشتاق بود که من از دین بگویم و سرا پا با همه وجودش گوش می‌کرد و به مطالب و شنیده‌ها حساس بود و دنبال عمل به آن می‌رفت. خدایش رحمت کند. وقتی یاد آن صحنه‌ها که پایین پایش می‌نشستم و با تواضع به چهره نورانی اش نگاه می‌کردم، لذت می‌بردم از شوق او نسبت به شنیدن مطالب دینی. تواضع او بارها بنده را در عالم خودم به گریه واداشته بود. باور نمی‌کردم روزی او نباشد و من باشم! این است که به ما دستور داده اند در مقابل پدر و مادر متواضع باشیم. پروردگار جهانیان در سوره اسرا می‌فرماید: «از روی مهر، بال و پرت را بر خاک راهشان بگستر. تواضع در مقابل پدر، یعنی اینکه دیدگانت را به آن‌ها خیره مکن، بلکه با مهربانی و دلسوزی به آن‌ها بنگر و صدایت را از صدای آن‌ها بلندتر مکن و دستت را بالای دست آن‌ها مگیر و بر آن‌ها پیشی مگیر.

عدالت محوری و محبت ورزی

سعی او بر این بود که بین فرزندان خود تبعیضی قائل نشود و در عمل هم بسیار تلاش می‌کرد تا این امر محقق شود و چقدر زیبا همه را کنار خود جمع کرده بود. از این رو دائماً همه ما مشمول دعا‌های خاص او بودیم. این از الطاف خدا در حق مان بود که همیشه و در همه حال مشمول دعای پدر بودیم. این میراث گران‌بهای اوست که باید آن را حفظ کرد. پدر و مادرها مراقب باشند بین فرزندان در محبت و عدالت محوری تبعیض قائل نشوند، چراکه با دست خود، خود را گرفتار می‌کنند. البته باز بگویم اگر پدر و مادری کوتاهی کرده باشند، نباید فرزند تلافی یا توهین کند. برایشان دعا کند و از خطاهای آنان در گذرد. پدر و مادر حتی اگر مخالف دین انسان باشند، نمی‌توان به آنان توهین یا بی‌اعتناپی کرد. مردی به امام صادق (ع) عرض کرد: پدر و مادر من مخالف مذهب شیعه هستند. حضرت فرمودند: با آن‌ها خوش رفتاری کن، چنانکه با مسلمان‌ها و دوست‌های ما خوش رفتاری می‌کنی. چون همچنان که مؤمن حق ایمان دارد، پدر و مادرت هم حق ولادت دارند.

پدر با اینکه پدرش را ندید و قبل از تولد او را از دست داد، اما ارتباطش را با پدرش نیز قطع نکرد. زیارتی نرفت، دعایی نخواند، صدقه ای نداد، ذکری نگفت، مگر اینکه بسیاری از اوقات پدر و مادر را در آن شریک می کرد. او با پدر و مادرش در واقع زندگی می کرد. او به این سفارش احادیث عمل می کرد که برایشان نماز بخوان، حج برو و... انجام بده. من خود شاهد بودم که با چه اشتیاقی انجام می داد و بارها از من سؤال می کرد من برای پدر و مادرم فلان عمل را اینطور انجام دادم، چطور است؟ من هم به او می گفتم عالی است و خوشا به حال پدر و مادرت که این چنین فرزند از خود برجای گذاشته اند. او به این حدیث امام صادق (ع) عمل می کرد. حدیثی که در آن حضرت می فرمایند: مردی از شما را چه مانع می شود که به پدر و مادرش نیکی کند، زنده باشند یا مرده که از جانب آن ها نماز بخواند و صدقه دهد و حج گذارد و روزه بگیرد، تا آنچه کرده ثوابش از آن ها باشد و مانند آن هم برای خود او و تا خدای عزوجل به وسیله احسان و صلح او خیر و فراوانی برایش زیاد کند.

سؤال: آیا اگر کسی پدر و مادرش مخالف مذهب حق باشند، باز باید برایشان دعا کنیم؟ جواب: معمر بن خلاد می گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: هر گاه پدر و مادرم مذهب حق را نشناسند، دعایشان کنم؟ فرمود: برای آن ها دعا کن و از جانب آن ها صدقه بده و اگر زنده باشند و مذهب حق را نشناسند با آن ها مدارا کن، چراکه رسول خدا (ص) می فرمایند: خدا مرا به رحمت فرستاده نه به بی مهری و نافرمانی. البته دستور امام به دعا برای پدر و مادر کافر یا غیرمذهب شیعه شاید از این جهت باشد که در تخفیف عذاب آنان و زحماتی که برای فرزند کشیده اند، جبران شود والا آنان را بهشتی نمی کند، چراکه آنان برخلاف دین حق از دنیا رفته اند مگر اینکه جاهل قاصر باشند و خدا با این دعاها برای آنان بابی از رحمت خود باز کند که ما از آن بی اطلاعیم.

بهترین وسیله رسیدن به امام زمان (عج)

پدر بعد از اینکه بازنشسته شد هم کشاورزی می کرد، هم به عبادات خود می رسید. در همان سال های بعد از بازنشستگی با عنایت امام زمان (عج) و دعای مستجاب مادرش مداح و ثناگویی امام زمان شد. او هر هفته یک اتوبوس از محل و اطراف به سوی جمکران با مادرم راه می انداخت. خودش یک گاری داشت وسایل جمکران، غذا و... را در آن می گذاشت و به سوی مسجد می رفت. یادش بخیر نماز جماعت می خواند همه سوار اتوبوس و با ذکر یا ابن الحسن راهی می شدند. چقدر با اشتیاق و سوز و گداز می خواند. جملات معروفش بود. آنقدر در می زنم این خانه را تا ببینم روی صاحب خانه/ آقا به جان مادرت آن مادر غم پرور/ ما را مرانی از دردت یا ابن الحسن یا ابالحسن. این اشعار را می خواند و اشک می ریخت. دعای مادر باعث شده بود این مسیر نیز برایش فراهم شود و سر اینکه معرفتش به امام زمان (عج) او را به جمکران می کشاند، همین بود. هر کسی نسبت به والدینش بیشتر اهمیت قائل شود، بیشتر مورد توجه امام زمانش قرار می گیرد.

اجر تکریم والدین بیشتر در زمان پیری آنان است

یکی از جملاتی که بر زبان کسانی که پا به سن پیری می گذارند، جاری می شود این است که خدا ما را زمین گیر نکند. این جمله به دو علت کلی برمی گردد. یا فرزندان و اطرافیان نسبت به آنان وظایف خود را انجام نمی دهند و آنان نگرانند در زمان پیری نیز این روند ادامه پیدا می کند و به سختی می افتند یا اینکه طبیعتاً از اینکه بارشان به دوش کسی باشد، نمی خواهند این اتفاق برایشان بیفتد که البته این دغدغه برای هر کسی یک امر طبیعی است. فرزندان نباید اجازه دهند این تصور برای پدر و مادر به وجود بیاید که سربارند. باید طوری با آنان رفتار شود که احساس نکنند باری در پیری روی دوش فرزندان هستند. به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن ها نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن ها روا مدار! و بر آن ها فریاد مزن. آنان در این سن نیاز به محبت فرزندان دارند. آیا فراموش کرده ایم که در کودکی ما به آنان نیاز داشتیم؟

بازشدن در استجاب دعا در زندگی

پدر دائماً برای پدر و مادرش دعا می کرد و معتقد بود: هر چه داریم از دعای آنان است. اهل دعا بود. پدران و مادران فرزندان خود را دعا کنند. اگر هم گاهی اوقات فرزندان خطایی می کنند، با مهربانی و دلسوزی آنان را از دعای خودشان محروم نکنند. چه بسا همین دعای خالصانه پدر و مادر فرزند را از گمراهی نجات دهد. مواظب باشید فرزندان خود را نفرین نکنید که با دست خود میوه زندگی را پرپر کرده آید. پدر که رحمت خدا بر او باد دائماً برای ما دعا می کرد. همین کار را مادرمان انجام می دهد. اثر دعای پدر و مادر بسیار زیاد است. فرزندان نیز مواظب باشند خود را از دعای پدر و مادر محروم نکنند. خود را در معرض این نور الهی قرار دهند تا زندگی آنان را نورانی و روشن کند. پیامبر خدا (ص) فرمودند: سه دعا قطعاً مستجاب خواهد شد: دعای ستمدیده، دعای مسافر و دعای پدر در حق فرزند. امام رضا (ع) فرمودند: مرد نیکوکاری به پدر و مادر خود احترام می کرد. در یکی از روزها که پدرش در خواب بود معامله پرسودی برایش پیش آمد، اما مغازه اش بسته بود و کلید مغازه نزد پدرش بود و پدرش نیز در آن وقت خوابیده بود. فروختن کالا، بستگی به بیدارکردن پدر داشت تا کلیدی را که در نزد پدر بود بگیرد.

مرد نیکوکار آن معامله پرسود را به خاطر بیدار نکردن پدر، انجام نداد (و به خاطر احترام به پدر، از سود کلانی که معادل ۷۰ هزار درهم بود، گذشت) و مشتری رفت. وقتی پدر بیدار شد و از ماجرا اطلاع یافت، از پسر مهربانش تشکر کرد و گاوی را که داشت به پسرش بخشید و گفت: «امیدوارم خیر و برکت بسیار، از ناحیه این گاو به تو برسد.»